

تفکر اجتماعی در خاور میانه معاصر

انجمن جامعه‌شناسی ایران با همکاری مرکز مطالعات بین‌المللی دینی دانشگاه تهران، بنیاد علم و فرهنگ استانبول ترکیه و انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی، همایش منطقه‌ای تفکر اجتماعی و جامعه‌شناسی در کشورهای خاورمیانه معاصر را در روزهای ۷ و ۸ خردادماه سال آینده برگزار می‌کند. در این همایش، شماری از جامعه‌شناسان و متفکران اجتماعی از ایران و سایر کشورهای خاورمیانه دیدگاه‌ها و تحقیقات خود درباره موضوع کنفرانس را مطرح خواهند کرد.

جامعه‌شناسی در بدو پیدایش خود در کشورهای مبدأ محصول صورت‌بندی نظری تفکر اجتماعی و نهادینه شدن آن در آکادمی بوده است. در سایر کشورها نیز بین تفکر اجتماعی و جامعه‌شناسی انواع مناسبات و تعاملاتی شکل گرفته که در سرنوشت دانش اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند. در ایمن میان، در بسیاری از کشورهای اسلامی و خاورمیانه، از حدود ۱۰۰ سال قبل به این سو با گسترش علوم اجتماعی و طرح تدریجی جامعه‌شناسی به عنوان یک رشته دانشگاهی در بسیاری از دانشگاه‌های منطقه، این دسته از دانش‌ها از یک سو در حیات فکری، حوزه عمومی و عرصه‌های مدیریتی این جوامع تأثیر گذاشته‌اند و از سوی دیگر در تعامل با تفکرات اجتماعی با مایه‌های ادبی، دینی، کلامی و فلسفی سمت‌وسوها و جهت‌گیری‌های متفاوتی در درون و بیرون از آکادمی پیدا کرده‌اند.

کشورهای خاورمیانه وارث تمدن‌ها و فرهنگ‌های بزرگ و سنت‌های دینی گسترده و عمیقی هستند و متفکران اجتماعی بزرگی را در خود پرورانده‌اند. به همین دلیل، تعامل و‌گاه تعارض علوم اجتماعی جدید با سنت‌های فرهنگی و دینی جوامع خاورمیانه یکی از موضوعات تأثیرگذار در جریان توسعه این علوم بوده‌است. در چنین زمینه‌ای برخی از متفکران اجتماعی در جوامع اسلامی و خاورمیانه به گونه‌های متفاوت به توسعه، بازسازی و ارایه خوانش‌های سازگار در زمینه‌های فلسفه اجتماعی، علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی در کشور خود مساعدت کرده و با تلاش کر ده‌اند تا هژمونی جهان غرب در علوم اجتماعی را به چالش بکشند.

هدف این‌همایش، فراهم ساختن عرصه‌ای برای بحث و گفت‌وگو درباره توسعه مناسبات تفکر اجتماعی و جامعه‌شناسی در جوامع خاورمیانه و تعامل علوم اجتماعی جدید و سنت‌های فرهنگی و دینی این جوامع با تأکید بر نقش متفکران اجتماعی مسلمان است.

محورهای این همایش عبارتند از: بررسی دیدگاه‌های نظری در مورد مناسبات تفکر اجتماعی و جامعه‌شناسی، نظریه اجتماعی دینی و نظریه جامعه‌شناختی در بین متفکران اجتماعی اسلامی و اندیشمندان خاورمیانه، گسترش مناسبات بین فلسفه اجتماعی و جامعه‌شناسی در کشورهای اسلامی، ارزیابی گفتمان‌های انتقادی اندیشمندان مسلمان درباره تفکر و دانش اجتماعی جدید، بررسی رویکردهای متفکران منطقه خاورمیانه برای بازسازی مناسبات اندیشه اجتماعی و جامعه‌شناسی، تعاملات و تعارضات جامعه‌شناسی جهانی و جامعه‌شناسی‌های محلی متأثر از اندیشه متفکران اجتماعی، ارزیابی‌های جامعه‌شناختی از اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان معاصر. این همایش ۷ و ۸ خرداد ۱۳۹۰ (۲۸ و ۲۹ می ۲۰۱۱) برگزار می‌شود و مهلت ارسال چکیده مقاله به زبان فارسی یا انگلیسی تا ۲۳ اسفند ۱۳۸۹ است. علاقه‌مندان می‌توانند چکیده و اصل مقالات خود را به iraniansac@gmail.com ارسال کنند.

پایان‌پدیدار شناسی

همایش «پایان پدیدارشناسی»، ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ۹۰ در دانشگاه ساسکس انگلستان برگزار می‌شود. بیش از ۵۰سال پیش، مرلوپونتی پژوهش مهم خود را درباره پدیدارشناسی ادراک با این پرسش آغاز کرد که «پدیدارشناسی چیست؟». اما شگفت آنکه این پرسش پس از گذشت نیم‌قرن بعد از اولین آثار ادموند هوسرل همچنان تکرار شده است. از سوی دیگر باید گفت که پروژه هوسرل پس از تبدیل پدیدارشناسی به علم، جهت‌گیری‌های متفاوتی داشته است که از تحلیل وجودی هایدگر تا اگزیستانسیالیسم سارتر و پدیدارشناسی ادراک مرلوپونتسی و نیز آرا لویناس و ردیادار در بر می‌گیرد.
بسا این همه شکی نیست که پدیدارشناسی جنبشی فلسفی است که با آثار و اندیشه‌های ادموند هوسرل آغاز شد، هر چند هنوز هیچ‌گونه اجماعی درباره فرجام آن و نیز محدودیت‌های ممکن و اهداف اصلی آن وجود ندارد. به گزارش مهر، در همایش «پایان پدیدارشناسی» اساتید و صاحب‌نظرانی چون چارلز گونیکسون (دانشگاه فدرالی جنوبی) و رابرت برنستکونی (دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا) سخنران می‌کنند.
علاقه‌مندان تا ۱۰ فوروردن ۳۰۹۰ مارس ۲۰۱۱) برای ارسال خلاصه مقالات خود به آدرس J.elsen@sussex.ac.uk فرصت دارند. برخی موضوعات اعلام شده در فراخوان این همایش عبارتند از: پدیدار شناسی و مفهوم پایان، ماهیت انتامم پدیدارشناسی، محدودیت‌های هرمنوتیکی پدیدارشناسی، پدیدارشناسی و فلسفه تحلیلی، پدیدارشناسی و فراقلسفه، پدیدارشناسی و شعر، پدیدارشناسی و بدن، پدیدارشناسی و سیاست و پدیدارشناسی و مذهب.

تحولات خاورمیانه با شروع از تونس و مصر و تداوم در اکثر کشورهای عربی نقشه جدیدی از این منطقه همواره حساس و مورد توجه ترسیم می‌کند. این نقشه تا چه حد بر نظم پیشین خود استوار است و می‌تواند باشد؟

قبل از هر چیز اشاره کنم که جنبش‌های ادوارد سعید در عرصه نظری نشان داده بود، در عمل و پراکتیس اجتماعی، پیش‌دآوری‌های استعماری و نارسایی و سوء‌دآوری دیدگاه شرق‌شناسان در مورد ناهمخوانی فرهنگی این کشورها با دموکراسی و مبارزات دموکراسی‌خواهانه را نشان داده است. این دیدگاه استعماری شرق‌شناسان بعدها از جمله مبنای نظری دیدگاه‌هایی مانند نظریه برخورد فرهنگ‌های ساموئل هانتینگتون و نظریه‌های مشابه است و در نوشتارهای برخی نویسندگان عمدتاً نویلیرال ایرانی نیز به‌طور تلویحی و حتی گاه آشکارا همین دیدگاه وجود دارد.

با وجود حضور دیرینه‌سال تمدن‌های کهن بشری در منطقه خاورمیانه، نقشه کنونی خاورمیانه در پی فروپاشی ترکیه عثمانی در دوران استعمار و به دنبال شکل‌گیری و در مواردی خلق مصنوعی دولت‌هایی بر اساس ساختارهای سنتی قبیله‌ای، در دوران بسا استعمار شکل گرفت. برخی کشورها در این منطقه (مانند ایران و ترکیه و مصر) از سابقه تمدنی پرخوردارند و برخی دیگر (همچون عراق، سوریه،...) از مرزگذاری‌های استعماری مبتنی بر مناسبات قبیله‌ای در نیمه نخست سده بیستم پدید آمده‌اند.

در میان گروه‌بندی‌های اقتصادی-جغرافیایی جهان امروز مانند آسیای جنوب شرقی، آمریکای لاتین، اروپا، آمریکای شمالی و آفریقای جنوب صحرا، وابستگی اقتصادی منطقه خاورمیانه به صادرات مواد خام و معدنی بسیار بیشتر است و کشورهای این منطقه در مجموع طی سه دهه اخیر بدترین عملکرد اقتصادی را بعد از کشورهای جنوب صحرای آفریقا داشته‌اند. با این حال، منطقه خاورمیانه یکی از استراتژیک‌ترین مناطق جهان است؛ نامین خشک عمده انرژی‌های فسیلی از این منطقه، وجود کانال استراتژیک سوئز، حجم انبوه دلاره نفتی،... برخی از مهم‌ترین عواملی است که سرنوشت سیاسی-اقتصادی خاورمیانه را از نیمه دوم سده بیستم رقم زده‌است.

به نظر می‌رسد عوامل اصلی که در منطقه کنونی خاورمیانه شرایط کم‌وبیش مشابهی فراهم ساخته، ساختارهای مشابه اقتصادی (اقتصادهای عمدتاً وابسته به منابع طبیعی)، ساختارهای مشابه دموگرافیک (هرم سنی جمعیتی جوان) فرهنگی-زبانی (دین مشترک و زبان غالب) است.

تاکتون تحلیلگران و اندیشمندان سیاسی هر یک از منظر خویش به بررسی وقایع جاری پرداخته‌اند. اگر بخواهیم از منظر اقتصادسیاسی آنچه را که بررسی می‌کنیم به دو بخش و بحرین واردن و لیبی و ... می‌گذرد در سوسی کنیم به چه نتایجی می‌رسیم؟ آیا طبقه‌بندی فعلی کشورهای منطقه کمکی به تحلیل دقیق تر می‌کند؟ چگونه؟

به طور کلی براساس تقسیم‌بندی‌های متعارف نهادهای اقتصادی بین‌المللی کشورهای خاورمیانه در سه گروه در آمدی، بر درآمد، میانه‌در آمد و کم‌درآمدی می‌تواند کشورها را در سه منطقه (بحرین، عمان، امارات متحده عربی، قطر، عربستان سعودی و لیبی) بالاترین سطح در آمد سرانه را دارند اما صرفاً ۹ درصد جمعیت منطقه را تشکیل می‌دهند. درآمد انبوه این کشورها نقش مهمی در اشتغال‌زایی و جابه‌جایی‌های منطقه‌ای ثروت و درآمد خواه در منطقه و خیاره در اقتصاد جهانی داشته‌است. چنانکه انتقال برای مثال دلاره‌های نفتی در دهه ۱۹۷۰ با بانک‌های سرمایه‌گذاری نیویورک در تحولات سرمایه‌مالی در دهه‌های بعد (از بحران بدهی‌های آمریکای لاتین در دهه ۱۹۸۰ تا شکل‌گیری بحاب‌های قیمتی در بورس‌های بین‌المللی و مستغلات) نقش آفرین بوده‌است.

گروه دوم که شامل اکثریت کشورهای منطقه است (به جز دو کشور عراق و ایران که صادرکننده نفت هستند) شامل کشورهای غیر نفتی می‌شود که گروه کشورهای میانه‌در آمد عراق، اردن، لبنان، مراکش، فلسطین، سوریه، تونس و ترکیه. این گروه ۷۸ درصد جمعیت منطقه را دربردارد و کانون اصلی تحولات دموگراتیک کنونی را تشکیل می‌دهد. گروه سوم کشورهای کم‌درآمد که می‌تواند به ۱۳ درصد جمعیت منطقه می‌شوند که شامل سه کشور جیبوتی، سودان و یمن است. تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای کم‌درآمد منطقه که براساس برابری قدرت خرید تعدیل شده است در سال ۲۰۰۷ معادل ۱۸۸۰ دلار بود که از میانگین کشورهای جنوب صحرای آفریقا نیز کمتر است. در کشورهای میانه‌درآمد این شاخص معادل ۷۸۲۲ دلار است (مشابه کشورهای آمریکای لاتین و منطقه کارایپ) و در کشورهای برآمد این شاخص برابر با ۲۶۹۵۹ دلار است (که مشابه کشورهای پیشرفته هستند).

به نظر می‌رسد در برخی مقایسه‌ها تفاوت‌های ساختاری کشورها را یک‌دیگر ناده‌ده گرفته می‌شود. اینکه کشوری همچون تونس در کمتر از یک‌ماه‌بن علی را از تخت قدرت به زیر می‌کشد و می‌تواند حکومت را ساقط کند اما برای مثال لیبی نمی‌تواند مسلماناً متأثر از ویژگی‌های دموگرافیک و ژئوپلیتیک هر کدام است که با دیگری نامخوان است. بررسی شاخص‌های اقتصاد سیاسی چه چیزی را به ما نشان می‌دهد؟

به لحاظ ساختارهای جمعیتی، بخش بزرگ جمعیت خاورمیانه را جوانان تشکیل می‌دهند که امروزه با موانع متعددی برای اشتغال و تشکیل خانواده روبه‌رو هستند. به سبب نرخ بالای باروری در سال‌های پیشین (به‌ویژه در دهه ۱۹۸۰) و به موازات آن کاهش نرخ مرگومیر، هم‌اکنون شاهد نسبت بالای جمعیت جوان هستند و سازمان‌دهی آنها مایه‌یسی و افقی است. به نظر می‌رسد از این بعد در تمامی جنبش‌های

کشورهای این منطقه برای جوانان امکانات آموزشی فراهم شده است. در نتیجه طی دهه‌های اخیر نسبت به دیگر نقاط دنیا (به جز آسیای شرقی) بخش آموزش با تریخی بیشتر در این منطقه گسترش یافته است، اما به سبب نرخ بالای بیکاری در میان جوانان و بهره‌وری ناچیز آموزش‌هایی که این جوانان دیده‌اند، این ویژگی جمعیتی فرصتی برای رشد در این کشورها فراهم نیآورده است. نرخ بالای بیکاری، مدت طولانی انتظار برای اشتغال و تأخیر در ازدواج مهم‌ترین مشکلات امروز جوانان در خاورمیانه است. هم‌اکنون شاهد نرخ‌های حیرت‌انگیز و غیرقابل تحمل بیکاری می‌ویزیم. در کشورهای میانه‌درآمد خاورمیانه هستیم. از جمله در کشورهای مصر، اردن و تونس این نرخ بیش از ۲۰ درصد است. چنین نرخ بالای بیکاری پتانسیل بسیار بالایی جوامع به‌خصوص میانه‌درآمد خاورمیانه برای ظهور «خیابان» به مثابه عرصه کنش سیاسی و شورش‌های قهرآمیز به مثابه عرصه کنش سیاسی را فراهم کرده‌است.

نرخ کم‌وبیش بالای «ضررب چنین» که معرف نابرابری‌های طبقاتی در کشورهای خاورمیانه است نیز تأیید دیگری بر پتانسیل تغییرات قهرآمیز اجتماعی است. گفتنی است دامنه ضریب جینی از صفر تا یک را در برمی‌گیرد. (در نقطه صفر نشانه برابری در خاورمیانه را تشکیل می‌دهد (شامل الجزایر، مصر، ایران، عراق، اردن، لبنان، مراکش، فلسطین، سوریه، تونس و ترکیه). این گروه ۷۸ درصد جمعیت منطقه را دربردارد و کانون اصلی تحولات دموگراتیک کنونی را تشکیل می‌دهد. گروه سوم کشورهای کم‌درآمد که می‌تواند به ۱۳ درصد جمعیت منطقه می‌شوند که شامل سه کشور جیبوتی، سودان و یمن است. تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای کم‌درآمد منطقه که براساس برابری قدرت خرید تعدیل شده است در سال ۲۰۰۷ معادل ۱۸۸۰ دلار بود که از میانگین کشورهای جنوب صحرای آفریقا نیز کمتر است. در کشورهای میانه‌درآمد این شاخص معادل ۷۸۲۲ دلار است (مشابه کشورهای آمریکای لاتین و منطقه کارایپ) و در کشورهای برآمد این شاخص برابر با ۲۶۹۵۹ دلار است (که مشابه کشورهای پیشرفته هستند).

به نظر می‌رسد در برخی مقایسه‌ها تفاوت‌های ساختاری کشورها را یک‌دیگر ناده‌ده گرفته می‌شود. اینکه کشوری همچون تونس در کمتر از یک‌ماه‌بن علی را از تخت قدرت به زیر می‌کشد و می‌تواند حکومت را ساقط کند اما برای مثال لیبی نمی‌تواند مسلماناً متأثر از ویژگی‌های دموگرافیک و ژئوپلیتیک هر کدام است که با دیگری نامخوان است. بررسی شاخص‌های اقتصاد سیاسی چه چیزی را به ما نشان می‌دهد؟

به لحاظ ساختارهای جمعیتی، بخش بزرگ جمعیت خاورمیانه را جوانان تشکیل می‌دهند که امروزه با موانع متعددی برای اشتغال و تشکیل خانواده روبه‌رو هستند. به سبب نرخ بالای باروری در سال‌های پیشین (به‌ویژه در دهه ۱۹۸۰) و به موازات آن کاهش نرخ مرگومیر، هم‌اکنون شاهد نسبت بالای جمعیت جوان هستند و سازمان‌دهی آنها مایه‌یسی و افقی است. به نظر می‌رسد از این بعد در تمامی جنبش‌های

اندیشه



تحولات خاورمیانه در گفت‌وگو با پرویز صداقت

دوراهی فرجام خیزش اعراب

رحمان یوزدی

خاورمیانه در حال زایمان است. خود کامگان عرب، چه در قالب رییس‌جمهور مادام‌العمر و چه در قالب پادشاه و سلطان و عناوین دیگر، یک به یک سقوط می‌کنند و به‌زیر کشیده می‌شوند. کارشناسان سیاسی غرب و عرب و برعرب عاجز از تحلیل رویدادهای کنونی هستند. سرعت وقایع همه را شوکه کرده‌است. شعله‌های انقلاب سر تاسر خاورمیانه را فرا گرفته و هر روز شعله‌ور تر می‌شود. هیچ‌کس در امان نیست؛ دولت‌های استبدادی عرب سعی در کنترل اوضاع به هر نحو ممکن دارند، بحرن با مخالفان به گفت‌وگو نشسته‌است، قذافی بین مردم پول یخش می‌کند، الجزایر بعد از دو دهه مقررات منع رفت‌وآمد را لغو کرده، اردن سیاست کاهش قیمت‌ها را در پیش گرفته اما هیچ یک از این راهکارها پاسخ‌معترضانی را نمی‌دهد که بی‌وقفه خواهان «اسقاط» نظام‌های دیکتاتوری عرب هستند. در این میان فیلسوفان و اندیشمندان سیاسی تحلیل‌های مختلفی از ریشه‌ها و خاستگاه‌های نظری چنین اعتراضاتی ارایه کر ده‌اند. مصاحبه‌ای که در پی می‌آید نگاهی دارد به تحولات خاورمیانه از منظر اقتصاد سیاسی. برپشش اصلی این است که چگونه دوره دولت‌های استبدادی عرب با چنین سرعنی به پایان می‌رسد که تا همین چند ماه پیش گمانش را هم نمی‌توانستند بکنند. پرویز صداقت، پژوهشگر اقتصادی و مترجم کتاب‌هایی همچون «بدن‌لوزی نویلیرال»، «مارپیچ سسر مایه» و... در این مصاحبه نخست نگاهی کلی دارد به طبقه‌بندی کشورهای منطقه خاورمیانه براساس شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی و می‌کوشد براساس آرایش کلی نیروهای سیاسی، گمانه‌هایی در مورد چشم‌اندازهای سیاسی محتمل ارایه کند.

بزرگ اجتماعی شاهد شکل‌گیری چنین ساختارهایی باشیم. این ساختار به سبب انقلاب فن آوری اطلاعات و نفوذ عمیق اینترنت و شکل‌های جدید ارتباطی در جامعه صورت پذیرفته است. اتفاق افتاده که جنبش‌های احزاب سنتی در برابر شکل‌های نوین سازمان‌دهی این جنبش‌ها پدیده تازه‌ای نیست، پیش‌تر در تجربه‌هایی مانند ۱۹۶۸ در اروپا، جریان زاپاتیست‌ها در مکزیک، جنبش ضدجهانی‌سازی در سیاتل،... همین اتفاق و عقب‌ماندن احزاب سنتی از تجربه اجتماعی راشاهد بودیم.

نگاهی به کشورهای منطقه نشان می‌دهد فرآیند جهانی‌سازی در سه دهه اخیر به طرز روزافزونی شتاب گرفته است. نقش اقتصاد آزاد و افسارگسیخته رادر تحولات خاورمیانه چطور می‌توان ارزیابی کرد؟

جنبش‌های خاورمیانه یک بار دیگر اسطوره همراهی بازار آزاد و دموکراسی را شکست و به‌روشنی نشان داد که اجرای برنامه‌های تعدیل ساختاری در این کشورها نه حل مشکل‌گیری در شرایط سنتی اقتصادی (آمریکا و اروپا) در منطقه هستند و میانه‌روان مذهبی (گویا به‌تازگی اخوان المسلمین مصر هم به‌جمع میانه‌روان پیوسته) است. تحقق این راهبردها دشواری‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو است. نخست آنکه ایدئولوژی اقتصادی نویلیرالی مورد اعتراض اکثریت مردم است و اجرای برنامه‌های رفاهی و بازتوزیع درآمد به نفع گروه‌های تهیدست اجتماعی ناگزیر است. تا چه حد نخبگان حاکم زیر بار اجرای چنین برنامه‌های خواهند رفت به میزان مقاومت جنبش‌های مردمی و استمرار آن بستگی خواهد داشت. آمریکا مایل است این جنبش‌ها تصویری از استعمار «انقلاب‌های رنگی» باشند، اما مساله به این سادگی نیست. قبل از هرچیز به این دلیل که این جنبش‌ها بازتاب اعتراض به برنامه‌های اقتصادی است که ایدئولوژی اقتصادی انقلاب‌های رنگی بود. از سوی دیگر، به این خاطر که دستورالذ انقلاب‌های رنگی کم‌وبیش مشخص است و در عمل جاذبه‌ای برای تکرار در سایر کشورها ندارد.

با این توصیف آینده خاورمیانه چه سمت‌وسویی خواهد داشت و به کجا می‌رود؟ آیا می‌توان شاهد شکل‌گیری نظام‌هایی بود که در عین دستانبایی به دموکراسی و مشارکت همه گروه‌های سیاسی در تعیین سرنوشت کشور، از الگوهای تاکنون موجود بازار آزاد و اقتصاد نویلیرال فاصله گیرند؟

کشورهای خاورمیانه در عین پیوستگی شاهد گسست در رونداتی توسعه سیاسی خود خواهند بود. تردیدی نیست که دیر یا زود، نظمی نو در تریخ‌های مصر، و سودسمت کم‌دیگر کشورهای میانه‌درآمد خاورمیانه مستقر خواهد شد. اما هنوز نمی‌توان با قاطعیت از گذار دموکراتیک سخن گفت. آنچه نمی‌توانیم قاطعانه پیش‌بینی کنیم این است که نظم جدیدی که به جای آن بر گزیده خواهد شد چیست، زیر نتیجه متغیرهای بسیار است. این از سویی منوط به آن است که نخبگان سیاسی سنتی گزارش بانک جهانی در سبتمبر ۲۰۱۰ یعنی سه دهه قبل از وقوع انقلاب تونس در اعتراض به بی‌عدالتی، فقر و وضعیت نامساعد اجتماعی چنین بود: «تونس پیشرفت بسیار در رشد عادلانه، مبارزه با فقر و دستانبایی به شاخص‌های مناسب اجتماعی داشته است.» اگر بانک جهانی چنین خوش‌بینانه از سیاست‌های اقتصادی رژیم حاکم بر تونس سخن می‌گفت قبل از هرچیز از آن رو به که تونس از کشورهای پوی بود که مضمنا به سیاست‌های تجویزی بانک جهانی و صندوق

جامعه‌شناسی و چالش‌های پیش‌رو

سیدحسین سراراج‌زده دبیر همایش

■ موقعیت مساله‌ای (Problematic) علوم اجتماعی و مباحث جدی و مجادله‌آمیز در خصوص چیستی و چگونگی این علوم موجب شده‌است تا دست‌اندرکاران این رشته‌هاییش از اهالی سایر رشته‌ها به موضوع علم خود ببن‌بندیشند و درباره آن بحث و گفت‌وگو کنند. در نتیجه، حجم زیادی از تاملات نظری، گفت‌وگوها و آثار صاحب‌نظران این رشته‌ها در جهان و ایران به مباحث فلسفه علوم اجتماعی و روش‌شناسی اختصاص یافته است. انجمن جامعه‌شناسی ایران هم در طی سال‌های گذشته چندین همایش درباره علوم اجتماعی برگزار کرده که فرصتی بوده‌است برای بحث و گفت‌وگوهای انتقادی درباره علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی و همگی با مشارکت و استقبال قابل توجهی روبه‌رو شده و تالیفات و آثار ی داشته‌اند.

«همایش منطقه‌ای تفکر اجتماعی و جامعه‌شناسی در خاورمیانه معاصر» تفاوت مهمی با همایش‌های پیشین دارد. این‌همایش در پهنه‌ای فراتر از پهنه ملی، یعنی در سطح منطقه‌ای به بررسی مسایل علوم اجتماعی می‌پردازد و با مشارکت برخی از صاحب‌نظران علوم اجتماعی ایران و سایر کشورهای خاورمیانه برگزار می‌شود. در نتیجه، فرصتی است ا تا اهالی علوم اجتماعی ایران مسایل رشته علمی خود را در یک زمینه گسترده‌تر منطقه‌ای و به صورت مقایسه‌ای، بررسی، نقد و ارزیابی کنند. واقعیت این است که جامعه‌شناسی ایران، از نظر ارتباطات بین‌المللی و به خصوص منطقه‌ای، خلعت منزوی و محلی پیدا کرده است و از تفکر و دانش

اجتماعی، تجربه‌ها و دستوردها، مسایل و چالش‌ها و آثار صاحب‌نظران اجتماعی محیط و منطقه پیرامون خود بی‌اطلاع است. متقابلاً، محافل علمی و دانشگاهی در کشورهای منطقه ارتباط و آشنایی محدودی با علوم اجتماعی و متفکران اجتماعی ایران دارند. این در حالی است که معمولاً جوامع مشابه دارای زمینه‌های مشترک تاریخی و فرهنگی هستند و مسایل اجتماعی و فرهنگی مشابهی دارند. بنابراین، گفت‌وگوها، تعاملات و همکاری‌های منطقه‌ای می‌توانند زمینه‌ساز غنای دانش و اندیشه اجتماعی تولید شده در یک کشور باشند و به تولید نظریه‌های اجتماعی برای فهم بهتر مسایل اجتماعی مشترک کمک کند.

علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، به عنوان یک رشته دانشگاهی، در عین جهانی بودن و التزام به اصول و قواعد عام روش‌شناسی علمی، خلعت بیوه و فرهنگی دارند و در تعامل با ظرفیت‌های فکری و سنت‌های فرهنگی جوامع صورت‌بندی می‌شوند. خاورمیانه مهد تمدن‌های کهن و دارای سنت‌های عمیق دینی و فرهنگی است. در نتیجه، در مواجهه با دستوردهای اندیشه‌ای تمدن جدید، از جمله دانش جدید، محتوای این فرهنگ‌ها به صورت فعال و تأثیرگذاری وارد صحنه شده‌اند.

در این راستا، نقش فرهنگ و تمدن اسلامی به عنوان وجه مشترک این جوامع، در صورت‌بندی علوم اجتماعی این جوامع بسیار قابل توجه است، به گونه‌ای که متفکران اجتماعی در این جوامع با به عنوان متفکران اجتماعی مسلمان، با بهره‌گیری از مایه‌های فرهنگ و بینش دینی، وارد کنش متقابل و گفت‌وگوی انتقادی با دستوردهای اندیشه‌ای دوران مدرن شده‌اند یا با پرسش‌ها و چالش‌های جدی از ناخیه فرهنگ و اندیشه دینی مستقر روبه‌رو بوده و برای ایفای نقش موثر‌ناگزیر به پاسخ‌گویی افقانی بوده‌اند. در چنین زمینه مشترکی، ارتباطات علمی و اندیشه‌ای متفکران اجتماعی و جامعه‌شناسان جوامع خاورمیانه و آگاهی از آشورا از متفکران اجتماعی مسلمان در هر کشور برای توسعه علوم اجتماعی در سطح ملی و منطقه‌ای سودمند است.

از طرف دیگر، نظریه و دانش اجتماعی معمولاً معطوف به معضلات و مسایل اجتماعی شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد. بنابراین کشورهای همسایه و مستقر در یک حوزه تمدنی و فرهنگی که دارای تجربه‌های تاریخی مشابه و آحاد مشترکی هستند، با مسایل اجتماعی نسبتاً مشابهی دست به گریب‌اند. در نتیجه، دانشمندان و پژوهشگران اجتماعی این کشورها، از حیث نظر به‌های اجتماعی تبیین‌کننده مسایل و مشکلات اجتماعی و مطالعات تجربی مربوط به آنها و نیز از نظر موانع و محدودیت‌هایی که در فرآیند پژوهش اجتماعی با آن مواجه هستند، سخن‌ها و تجربه‌های فراوانی دارند که می‌توانند به اشتراک بگذارند و از یکدیگر بیاموزند.

فکر ارتباطات و همکاری‌های منطقه‌ای علوم اجتماعی، فکر نسبتاً سابقه‌یاری است. این ایده در کشورهای غیرغربی گاه در راستای ایده یهودی شدن کاربندی شدن بیشتر علوم اجتماعی و نیز برای مقابله با نقش هژمونیک جهان غرب در علوم اجتماعی مطرح شده است. تشکیل انجمن شوراهای تحقیقات علوم اجتماعی آسیا واقیانوسیه (از رک) در سال ۱۹۷۷ و نیز انجمن جامعه‌شناسی آمریکای لاتین و سایر نهادهای مشابه، که این یادداشت مجال معرفی آن‌ها را ندارد، در این راستا بوده‌اند. با توجه به موارد مطرح شده در فوق، برگزاری این از سویی منوط به آن است که نخبگان سیاسی سنتی توسعه‌ناچندتن به اصلاحات واقعی سیاسی و اقتصادی که مورد نظر توده‌های مردم است می‌دهند؛ نسل دوم اسلام‌گرایان خاورمیانه در نهایت کدام‌الگورا بر می‌گزینند: الگوی عدالت و توسعه‌تر ترکیه یا الگوهای بنیادگرایانه. و در نهایت اینکه اقصاد جهانی سرمایه‌داری آیا قادر به برون‌رفت از رکود کنونی خواهد بود یا نقش به دنبال جهانی پر تنش خواهد بود که خاورمیانه در آن گرفتار تنش‌های نوظهور جهانی همچنان در قلب این جهان پر تنش خواهد بود.